

روزمرگی !!

جنگلی از آهنپاره و ماشین
 در حصار بلند منزل های شیشه یی
 در غرب ، در دوزخ سرمایداری
 هوای عاطفه را
 مسموم و سُرپی رنگ ساخته
 ناله های مداوم اسیران این جهنم
 در ازدحام کارتن و پلاستیک
 و بوتل های خالی
 غریزه های عقیم مانده را
 به بایلر زباله ها
 استفراغ می کند
 جوان های سرخورده و عاصی
 در کوچه های تنگ بی عابر
 روی دیوار های سمنتی
 آرزوهای شانرا نقاشی می کنند
 و غلیان شهوت را
 با آهنگ های تند موسیقی رپ
 در هیجان رقص و پرخاش
 برون می ریزند
 درین جزایر هذیان و ادیت
 خانه به دوشان زیرپل
 زیر روکش روزنامه یی شان
 طرح چپاول سیستم سرمایداری را
 با زرق زهر به رگهای شان
 تسریع می کنند



و خواب های دودآلود شانرا
از زیادت درماندگی
به بیخودی تبعید می نمایند .
(ناتور)

